



بهبول نجات یافت.

در این مدت هم دختر صاحبکار بهلول از خارج با من تماس گرفت. ادعای کرد خواهرش وقتی خیلی کوچک بود، کم شد و هیچ ردی از او پیدا نشد. سر همین موضوع پدر و مادرشان در قتل و مردند. حالا متوجه شده‌اند که بهلول در این قضیه دست داشته است. خواستند در دادسرا پیگیری کنند، اما باید پدر و مادرشان طرح شکایت می کردند که زنده نیستند.

در زمانی هم که به دنبال ردی از شیما در خیابان‌ها بودم، متوجه شدم دختری به نام سستاره با بهلول زندگی می کند که پس از دستگیری بهلول هیچ ردی از او هم به دست نیامد. بهلول یک جانی آدمکش بود که خانواده‌اش هم هشت سال پیش از او جدا شدند و به خارج رفتند. همسرش هم از او طلاق گرفته بود. او در همان دخمه‌اش زنان و دختران را اغفال می کرد. خانه‌ها دو طبقه در سیلان شمالی که تمام درها را پوشانده و با پتو خانه را عایق کاری کرده بود.

#### ماجرای پرونده چه بود

اواسط تابستان ۹۸، دختر ۱۵ ساله به نام شیما صباگردی مقدم ساکن منطقه نارمک تهران توسط پسر جوانی وادار به ترک منزل شد. همین کافی بود تا خانواده شیما صباگردی مقدم با حضور در اداره پلیس درخواست کمک کنند.

ماموران در تحقیقات پلیسی پی بردند که شیما صباگردی مقدم آخرین بار در پایانه بیهقی با خانواده‌اش تماس تلفنی داشته و دیگر کسی از سرنوشت او اطلاعی ندارد. ماموران به پایانه بیهقی رفتند و دوربین‌های مدار بسته را بازبینی کردند.

ماموران اداره ۱۱ پلیس آگاهی تهران در بررسی‌های پلیسی پی بردند که شیما صباگردی مقدم آخرین بار سوار بر خودرو مرد مسافر کشی به نام بهلول شده است و در ادامه ماموران با در اختیار داشتن شماره پلاک خودرو بهلول به سراغ او رفته و بهلول به عنوان تنها مظنون پرونده شیما صباگردی مقدم دستگیر شد. بهلول ۴۵ روز در بازداشت و تحت بازجویی بود. در این مدت متهم اعتراف نکرد و به دلیل عدم دسترسی به ادله کافی با وثیقه آزاد شد.

#### انتشار یک کلیپ

پدر شیما اوایل آبان ۹۹ با انتشار فیلمی خطاب به رئیس قوه قضائیه، تقاضای رسیدگی به پرونده دخترش را کرد. بعد از انتشار این کلیپ که بهلول هفتم آبان، بار دیگر بازداشت شد. او به پلیس آگاهی منتقل شد و به قتل شیما صباگردی مقدم اعتراف کرد. او اما هر بار با دروغ پردازی هایش قصد منحرف کردن مسیر پرونده را داشت.

بابررسی‌های کارآگاهان پلیس و به کارگیری شیوه‌های کشف علمی جرم، قاتل اعتراف کرد. او گفت که جسد مقتول را در حیاط خانه پیرزن صاحبخانه دفن کرده است.

از این موضوع به او چیزی نگفتیم. چندین بار با روانشناس و مشاور صحبت کردیم، اما نظرشان بر این بود که شیما در سن نوجوانی است و نباید این راز را در این مرحله از زندگی اش فاش کرد.»

#### شیما را فرزندخواندگی اش را می دانست

پدرخوانده شیما که حالا خیلی مصمم تر از گذشته است، از فاش شدن این راز می گوید که آن را از زبان بهلول در بازجویی‌ها شنیده است: «این راز سر به مهر بود و هرگز تصور نمی کردیم شیما چیزی از آن می دانسته. رازی را که از زبان بهلول در بازجویی‌ها شنیدیم. چند ماه پیش از ناپدید شدن شیما، این ماجرا را یکی از اقوام مادری اش به او گفته بود و شیما در زمان اسارتش راز فرزندخواندگی اش را به بهلول می گوید.»

#### پرونده هزار صفحه‌ای بهلول

احمد مرد کتا‌ب‌دار بازنشسته‌ای که حالا وکیل گرفته تا به نیابت از پدر و مادر خونین شیما کارهای پرونده را انجام دهد، از روند رسیدگی پرونده می گوید: «پرونده پس از بررسی‌های تکمیلی به دادگاه کیفری یک استان رفته است. احتمالاً دی ماه جلسه رسیدگی باشد، هنوز مشخص نیست.

متهم دو وکیل گرفته است، اما مهم نیست. پدر و مادر خونین شیما قصاص می‌خواهند و من همه تلاش‌ها را خواهم کرد تا این مرد جانی بالای دار برود. می‌خواهم شاهد رقص مرگ بهلول بالای چوبه دار باشم. متهم پرونده قطوری در دادگاه دارد، پرونده هزار صفحه‌ای.»

#### جسد شیما ۸ ماه در پزشکی قانونی

پیکر بی جان شیما هشت ماه پس از کشف جسد طول کشید تا به خاک سپرده شود. «در این مدت جسد دخترمان در پزشکی قانونی قرار داشت. ابتدا آزمایش دی‌ان‌ای گرفته شد تا مشخص شود جسد متعلق به شیماست، به همین خاطر پدر اصلی شیما به تهران آمد و از او تست گرفته شد.

آزمایشات دیگری هم انجام شد. از جسد شیما تنها استخوان‌ها و جمجمه‌اش مانده بود و شالی که با آن شیما را خفه کرده بود. همین شک برانگیز بود. نحوه به قتل رسیدن شیما در پرونده مهم بود، همین‌ها از آزمایشات پزشکی قانونی را طولانی تر کرد. احتمال

داده می شد که جسد شیما سوخته یا در اسید حل شده باشد که تنها چند استخوان از او باقی مانده بود. گزارشات پزشکی قانونی همه اینها را رد کرد. با تحویل جسد شیما و را مرداد ماه به خاک سپردیم.»

#### نقاط سیاه زندگی بهلول

مرد رنجور که حالا تمام تلاشش اجرای عدالت است، از نقاط سیاه زندگی قاتل دخترخوانده‌اش می گوید: «بهلول زنان و دختران را اغفال می کرد و آنها را به خانه‌اش می برد. در زمان بازداشت هم زنی در خانه‌اش اسیر بود که با کمک پلیس و آتش نشانی از شکنجه‌گاه

قصاص بهلول را می خواهیم؛

## آخرین خواسته پدر خوانده شیما دختر ۱۵ ساله تهرانی

وجود دارد، بحث انحصار وراثت است که پدر و مادر خونین شیما در مشهد باید این کار را انجام بدهند. این مسئله را پدرخوانده شیما، احمد صباگردی مقدم می گوید. مردی که از روز ناپدید شدن دخترش همه شهر را زیرورو کرد. حتی با انتشار کلیبی خطاب به رئیس قوه قضائیه، تقاضای رسیدگی به پرونده دخترش را کرد. کلیبی که پرده از جزئیات این آدم ربایی و گم شدن مرز شیما برمی داشت، «شیما چهار ماهش بود که او را از یکی از اقوام برادرم که در مشهد زندگی می کنند به فرزندخواندگی قبول کردیم. همسر من می توانست برادر شود. فشار خون بالایی داشت برای خودش و جنین خطرناک بود. سه بار هم باردار شده بود، اما هر بار جنین زنده نمی ماند. ریسک بالایی داشت تا اینکه پزشک معالجتش او را از بارداری منع کرد.

ماهی شیما را از خانواده‌ای به فرزندخواندگی قبول کردیم که مادرش از ناحیه دست مشکل داشت. این خانواده مشکلی مالی نداشتند، ولی بیماری مادر باعث شد تا شیما را به ما بدهند. شیما را به تهران آوردیم و به نام خودمان برایش شناسنامه گرفتیم. در این سال‌ها هم

دختر نوجوان را از پایانه بیهقی ربود، شکنجه‌اش کرد و او را به قتل رساند. این مرد پس از فراز و نشیب‌های زیاد به همه اینها اقرار کرد. اعتراضی تلخ پس از ۱۵ ماه سرگردانی و بلاکلیبی.

#### رسیدگی به پرونده در دادگاه

اما این مرد جانی در روند رسیدگی پرونده هر بار محل‌های متفاوتی از دفن جسد شیما به تیم جنایی نشان می داد. انتقال این دختر به زادگاهش در منطقه کلپیر در حاشیه رودارس در اعترافات نخست متهم ثبت شد. دفن در جاده چالوس هم ادعای دیگر این آدم ربایی پیر بود. او که قصد گمراه کردن تیم جنایی را داشت، سرانجام محل دقیق دفن شیما را ۱۵ ماه در باغچه خانه شماره ۱۶ نشان داد.

حالا یک سالی از این ماجرای دهشتناک می گذرد. پرونده پس از تحقیق و تفحص از دادسرای جنایی به شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان ارجاع داده شده است تا به زودی قاتل خانه سیلان شمالی پشت میز محاکمه بایستد.

ماجرای انحصار وراثت و فرزندخواندگی «نتها ایرادی که در پرونده

## ماجرای فراری دادن یک زندانی از بیمارستان

چگونه از داخل بخش‌ها نرفتیم.

چگونه از خانه میرداماد سرتخت کردید؟ دوستانتان آن خانه را شناسایی کردند که طلا و دلار دارد. به آنجا رفتیم که وسط سرتخت متوجه شدیم پلیس آمده است. مقداری طلا و ارز برداشتیم و آمدیم که فرار کنیم با ماموران رو در رو شدیم. برای دستگیر شدن به سمتشان شلیک کردیم و باز خمی شدن به مامور فرار کردیم.

می دانستم پسر مور عاقل‌کار است عاطفه دیگر عضو بانداست که از سوی پلیس دستگیر شده است و از جرایمش می گوید.

چند سال داری ۲۲؟ ساله هستم. مجردی؟ بله. قبلاً نامزد کردم که به خاطر تفاهم نداشتن جدا شدیم. شغل چیست؟ من دانشجوی هستم.

سابقه داری؟ نه پس چرا دستگیر شدی؟ من را در شب تولدم به جرم این که پسر مورد علاقه‌ام سر کرده باند سرتخت مسلحانه بود، دستگیر کردند. چند وقت است با سر کرده باند در ارتباط هستی؟ من شش ماه است او را می شناسم و همیشه با او بودم. من پیش از این سر کار می رفتم اما وقتی با او آشنا شدم دیگر اجازه نداد سر کار بروم و گفت خودم هزینه‌هایت را می دهم.

چه زمانی فهمیدی حامد خلافکار است؟ همان روزهای اول گفت خلافکار است و چون دوستش داشتیم، این مورد را نادیده گرفتم.

در سرتخت‌ها همراه حامد و برادرانش بودی؟ من به هیچ عنوان همدست آنها نبودم. دخترهای دیگر هم نمی دانستند. فقط می دانستیم خلافکار هستند و اسلحه دارند. ما با اسلحه حامد چرا با حامد ادامه دادی؟ من ابتدا خام حرف‌های او شدم. بعد کار به تهدید کشید. حامد گفت اگر از من جدا شوی برادرت را می کشم. فقط به خاطر ترس با او همکاری می کردی؟ بله. می ترسیدم بلایی سر برادرم بیاید.

چه شد بعد از ۸ سال زندان تصمیم گرفتی دوباره سمت جرم بروی؟ می دانستم که بازم دستگیری می شوم اما مجبور بودم. من نمی خواستم دستم جلوی کسی دراز باشد به همین خاطر تصمیم گرفتم سرتخت کنم و باند را تشکیل دادم. وقتی زندانی و سابقه دار باشی کسی به تو کاری نمی دهد و مجبور دوباره باز نگذارد جرم برای خودت درآمد درست کنی.

اسلحه‌ها از کجا خریدی؟ از شهرستان‌های غربی. یک کلت کمربندی بود که دو خشاب تیر داشت.

چند سرتخت مسلحانه انجام دادی؟ یکبار به خانه‌ای در میرداماد مسلحانه دستبرد زدیم و یک بار هم در بیمارستان تیراندازی کردیم. برای چه به بیمارستان حمله کردید؟ برادرم به جرم درگیری دستگیر شده بود و من می خواستم برادرم را نجات دهم، به همین خاطر نقشه کشیدیم او به بهانه بیماری به بیمارستان بیاید و من و برادران دیگر م دو دوستم او را فراری دهم.

چند نفر بودید؟ ۶ نفر با دو خودرو برای نجات او به بیمارستان رفتیم.

نقشه تان چه بود؟ یکی از دوستانتان مسلح بودیم. او را فراری دادیم و به خانه آوردیم. دستبند و پابند را باز کردیم. او چون هنوز بیمار بود در خانه استراحت می کرد.

با عاطفه چگونه آشنا شدی؟ در اینستاگرام. او در سرتخت‌ها همراه شما بود؟ در سرتخت‌ها، فقط گاهی چک‌های من را نقد می کرد.

زیاد به خانواده ات سر می زدی؟ نه، چون تحت تعقیب بودم می ترسیدم به خانواده سر بزنم.

چند برادرت همراه تو بودند و هر تکب جرم شلندند؟ دو برادرم همدست من بودند. آنها تازه آزاد شده بودند و سابقه سرتخت دارند. چه کسی برادران دیگر را به سمت خلاف برد؟ اول من با رفقا خلاف کردم و بعد برادرانم را تشویق کردم که سرتخت از بیکاری بهتر است و آنها هم همکاری و همدست من شدند.

نترسیدی در بیمارستان به بیماران آسیب بزنی؟ نه، ما در حیاط

گروه حوادث - آدم ربایی و قتل شیما ۱۵ ساله یکی از تلخ‌ترین پرونده‌های جنایی سال ۹۹ بود. او از چهار ماهگی به فرزندخواندگی خانم و آقای صباگردی مقدم درآمد تا امید زندگی آنان باشد.

اما در دست یک سال پیش بود که استخوان‌ها و جمجمه این دختر پس از ۱۵ ماه بی خبری از اعماق باغچه خانه‌ای در سیلان کشف شد. قاتل و رباینده این دختر نوجوان مردی ۶۰ ساله به نام بهلول بود. مردی که در نقش یک راننده تاکسی شیما را ربود و در خانه‌اش مورد آزار و اذیت قرار داد.

آذر ماه ۹۹ پدر و مادرخوانده شیما امیدشان پس از ۱۵ ماه ناامید شد؛ آقای صباگردی مقدم که ۱۵ ماه نقطه به نقطه شهر را گشت، هرگز به شیما نرسید. سر نوشت دختر ۱۵ ساله با مرگ گره خورده بود.

بیست و ششم مرداد سال ۹۸ بود که شیما خام حرف‌های پسر بدلیجات فروش رویه‌رو مدرسه‌اش شد. پسر بدلی فروش، شیما را وادار به ترک خانه کرد. از همان شب هم پدرخوانده شیما آواره خیابان‌ها و پس‌کوچه‌های تهران شد تا بهلول اعتراف کرد. بهلول

گروه حوادث - می دانستم که بازم دستگیری می شوم اما مجبور بودم. من نمی خواستم دستم جلوی کسی دراز باشد به همین خاطر تصمیم گرفتم سرتخت کنم و باند را تشکیل دادم.

چند قبیل خبری به پلیس رسید که تعدادی مرد مسلح وارد بیمارستانی در تهران شدند و با تهدید اسلحه و تیراندازی هوایی وارد یکی از بخش‌ها شده و بعد از ضرب و شتم پاسپاس زندان و سرتخت اسلحه‌ها، مرد زندانی که برای درمان به بیمارستان آمده بود را با خود به بیرون از بیمارستان برده و فرار کرده‌اند.

در حالی که پلیس تحقیقاتش را برای دستگیری این افراد و زندانی فراری آغاز کرده بود، آنها مسلحانه به خانه‌ای در شمال تهران رفتند تا نقشه سرتخت آنجا را اجرایی کنند اما گشت پلیس به محل حادثه رسید.

به دلیل این که تیر و های پلیس کمتر از دزدان بودند بین آنها درگیری مسلحانه رخ می دهد و یک مامور پلیس مجروح می شود. دزدان باند دیگر موفق به فرار شدند اما بالاخره مخفیگاه آنها شناسایی و ماموران ۵ مرد را که یکی از آنها متهم فراری از بیمارستان همراه ۵ زن راغ‌زن آنها، دستگیر کنند.

سر کرده این باند مسلح و یکی از زنان عضو این باند خشخ از جرایمشان گفتند.

خودت را معرفی کن؟ حامد ۲۹ ساله هستم. شغل‌ت چیست؟ چند سال قبل مواد فروش بودم که به زندان افتادم. الان هم بیکار هستم.

سابقه داری؟ چهار پرونده درگیری، فروش مواد مخدر، چاقو کشی و سرتخت دارم که ۸ سال به خاطرش زندان بودم.

معنای؟ اخیر فقط مواد می فروختم و خودم مصرف نمی کردم. آن پرونده برای ۱۲ سال قیل بود که به ۷۵ گرم کراک دستگیر شدم. چه کسی پیشنهاد داد مواد بفروشی؟ شرایط مالی و بی پولی باعث شد تا خودم تصمیم بگیرم مواد فروش شوم. چند خواهر و برادر داری؟ هفت برادر و ۴ خواهر از دو ازدواج پدرم هستم. او نگهدار بود و دو ماه یکبار به خانه می آمد.

## نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

## خرید و فروش سهام

## خدمات

## خشکشویی

## استخدام

کارمند امور اداری خانم آشنا به امور اداری و کامپیوتر جهت کار در یک شرکت نیازمندیم. متقاضیان می توانند به نشانی ویلاهای مروارید، بلوک b3، طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. تلفن تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹

نیروی خدماتی (خانم، آقا) جهت کار در یک شرکت نیازمندیم. متقاضیان می توانند به نشانی ویلاهای مروارید بلوک b3 طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه کنند. شماره تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹

منشی شیفت بعد از ظهر جهت کار در یک شرکت استخدام می شود. متقاضیان به نشانی خیابان فردوسی ویلاهای مروارید بلوک b3 طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. تلفن تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹

خشکشویی طلوع در اسرع وقت با تضمین و کیفیت عالی همراه با پیک تحویل آدرس: مجتمع خدماتی طلوع، روبروی برجهای طلایی و بازار کوروش ۰۹۳۴۷۶۹۷۵۸۸ - ۰۹۱۷۶۱۳۷۵۴۳ با مدیریت عسکری

## سوپر مارکت

آیلند مارکت میدان امیر کبیر بلوار تهران خیابان کوشا ارسال سریع و رایگان -۰۷۶۴۴۴۲۱۷۸۳ -۰۹۳۴۷۶۸۳۹۴۴

خدمات برق انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی ۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

خدمات تاسیسات آب و لوله کشی جزئی و کلی مجتمع های اداری مسکونی - خدماتی - تجاری رضایی ۰۹۳۴۷۶۹۳۶۲۴

تاسیسات ساختمانی کریمی ۰۹۳۴۷۶۹۴۷۴۴

## حمل بار

حمل و جابجایی کالا با ۶ چرخ در سطح جزیره ۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰

سهام پدیده شاندریز خلق ثروت است خرید و فروش سهام اینبیه توافقی (دو طرفه) از طریق سامانه در سراسر کشور شماره ۰۹۱۲۴۱۰۸۹۲۵ تماس با ۰۹۱۲۰۶۵۵۲۹۰ ۰۵۱۳۸۵۱۵۲۹۲ سهام گردانان: ۰۵۱۳۸۵۱۵۲۹۳

## اجاره خودرو

شرکت برنا پارس کیش اجاره انواع خودرو بدون راننده در جزیره زیبای کیش ۰۹۳۴۷۶۸۷۹۷۰ - ۰۹۱۱۵۳۱۲۶۶۰

نیازمندیهای اقتصاد کیش ۴۴۴۲۴۹۹۹ ۴۴۴۲۳۹۱۰

اقتصاد کیش پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش روزنامه ۴۴۴۲۴۹۶۹ ۴۴۴۲۴۹۹۹